

عنوان

رابطه حمایت اجتماعی تصویری و خودکارآمدی با سلامت روان و رضایت زندگی در حاشیه‌نشینان شهری

نادر رجبی گیلان (کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی)



سید رامین قاسمی (کارشناس ارشد رفاه اجتماعی)



پایش سلامت و تعیین‌کننده‌های آن در جمعیت عمومی، برای توسعه و همچنین برنامه‌های پیشگیری و ارتقای سلامت ضروری است. از این رو ارزیابی و پیمایش سطح سلامت جسمی، روانی و اجتماعی افراد جامعه می‌تواند به هدف فوق کمک شایان توجهی نماید. سلامت روان، تعیین‌کننده‌ی محوری کیفیت زندگی بوده و بی‌گمان نقش برجسته‌ای در تضمین پویایی و کارآمدی هر جامعه ایفا می‌کند. رضایت از زندگی نیز یکی از مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی است که نگرش و ارزیابی عمومی فرد نسبت به کل زندگی یا برخی از جنبه‌های آن را بررسی می‌کند و در سال‌های اخیر موضوع پژوهش‌های زیادی بوده است. میزان آسیب‌پذیری از مشکلات و بیماری‌های روانی از یک سو و رضایت از زندگی از سوی دیگر، اگر چه ممکن است متأثر از تفاوت‌های زیستی و فردی باشد اما تأثیر موقعیت اجتماعی و حتی مهم‌تر از آن، برداشتی که افراد از آن موقعیت دارند به مراتب بیشتر است. بنابراین توجه به عوامل اجتماعی موثر بر سلامت بیش از پیش اهمیت می‌یابد. از عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، حمایت اجتماعی را می‌توان نام برد. اغلب، حمایت اجتماعی به عنوان یکی از عوامل مرتبط با تنش‌های دیرپای زندگی شناخته می‌شود که ارتباط وسیعی با پیامدهای سلامت و کاهش خطر در حوزه‌های جسمی، روانی و مرگ و میر دارد. از شواهد چنین بر می‌آید که حمایت اجتماعی، بویژه از سوی خانواده در تحول احساس خودکارآمدی سهمیم است و همچنین این دو سازه، نقش برجسته‌ای در سلامت، پیشرفت و ارتقاء بهزیستی ذهنی دارند.

با توجه به اینکه مناطق حاشیه‌نشین شهری بعنوان محیط‌هایی نسبتاً بسته از نظر روابط اجتماعی و تعاملات تعمیم‌یافته شناخته می‌شوند و به لحاظ توسعه امکانات زیرساختی و همچنین سطح بهداشت عمومی در شرایط نابسامانی به سر می‌برند لذا می‌توان

انتظار داشت که سطح رضایت از زندگی نیز در این مناطق نیز نسبتاً پایین باشد. لذا این پژوهش با هدف رابطه‌ی بین حمایت اجتماعی و خودکارآمدی با سطح سلامت روان و رضایت از زندگی در حاشیه‌نشینان در کرمانشاه به انجام رسید. این پژوهش با کد ۹۵۰۸۱ در سال ۱۳۹۵ در مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت (مرکز SDH) و همچنین شورای پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه به تصویب رسید.

این پژوهش مقطعی در بین ۴۳۸ نفر از ساکنان دو محله بزرگ حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه (دولت‌آباد و جعفرآباد) به انجام رسید. جامعه آماری پژوهش، زنان و مردان بالای ۱۵ سال و روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه بود که شامل چک‌لیست دموگرافیک، مقیاس چندبعدی حمایت اجتماعی تصویری، مقیاس باورهای خودکارآمدی عمومی، مقیاس رضایت از زندگی و آزمون GHQ-12 بود. داده‌ها پس از گردآوری با نرم‌افزارهای SPSS-18 و Amos مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از آماره‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آماره‌های تحلیلی (همبستگی و تحلیل مسیر معادلات ساختاری) استفاده شد.

میانگین سنی مشارکت‌کنندگان در این تحقیق ۲۹/۸۷ سال بود و ۴۵٪ از آنان مرد بودند. میانگین نمرات پاسخگویان در متغیرهای حمایت اجتماعی تصویری، خودکارآمدی، رضایت از زندگی و سلامت روان به ترتیب برابر ۳۸/۹۵، ۲۷/۲۲، ۱۳/۴۱ و ۱۵/۵۸ بود. نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که حمایت اجتماعی دارای همبستگی مثبتی با رضایت از زندگی و همبستگی معکوسی با مشکلات سلامت روان می‌باشد. همچنین یافته‌ها نشان داد افرادی که حمایت اجتماعی بیشتری از دیگران ادراک نموده‌اند، از سطح خودکارآمدی بالاتری برخوردارند.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که خودکارآمدی در رابطه بین حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی و همچنین سلامت روان، در ساکنان محلات حاشیه‌نشین دارای نقش میانجی است. این بدین معنا است که حمایت اجتماعی زمانی می‌تواند منجر به افزایش رضایت زندگی و کاهش آسیب‌های روانی شود که میزان خودکارآمدی بالا باشد. همچنین عکس این قضیه نیز صادق است بدین صورت که نبود حمایت اجتماعی زمانی منجر به کاهش رضایت زندگی و افزایش آسیب‌های روانی می‌شود که سطح خودکارآمدی پایین باشد. بنابراین خودکارآمدی بعنوان یک متغیر روانی که قابل آموزش و یادگیری است، می‌تواند بر بهبود رضایت از زندگی مردم تأثیرگذار باشد.

بر این اساس نکات و پیشنهادات زیر قابل ارائه می‌باشد:

بر اساس نتایج تحقیق پیشنهاد می‌شود که روانشناسان و دست‌اندرکاران حوزه سلامت روان، نقش خودکارآمدی را در ارتقاء رضایت از زندگی و سلامت روان در نظر داشته باشند. با توجه به اینکه خودکارآمدی قابلیت تغییر و آموزش را دارد، سازمانهای مرتبط نظیر بهزیستی، دانشگاه علوم پزشکی و شهرداری‌های مناطق می‌توانند با طراحی و اجرای مداخلات مناسب (نظیر

برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای گروه‌های مختلف سنی و جنسی به منظور افزایش خودکارآمدی آنان، بویژه در محلات حاشیه‌ای شهر کرمانشاه، در ارتقاء سطح رضایت از زندگی و سلامت روانی جامعه گام مؤثری بردارند.

نتایج این مطالعه در قالب یک مقاله در مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مازندران (Scopus) با عنوان " بررسی رابطه ی حمایت اجتماعی و خودکارآمدی با سطح سلامت روان و رضایت از زندگی " پذیرش شده و در شماره اسفند ماه سال ۱۳۹۵ این مجله به چاپ خواهد رسید.